

## اثربخشی آموزش خلاقیت بر عزت نفس دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی

لیلا افضلی<sup>۱</sup>

سمیه اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده:

**هدف:** پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی آموزش خلاقیت بر عزت نفس دانش آموزان دختر دوره ابتدایی اسلامشهر، اجرا شده است. **روش:** برای این منظور ۱۲۰ نفر (۶۰ نفر گروه آزمایشی و ۶۰ نفر گروه کنترل) از دانش آموزان مقطع ابتدایی به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. روش پژوهش پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) و آزمون تصویری خلاقیت تورنس (۱۹۶۹) می باشند. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. **یافته ها:** نتایج پژوهش نشان داد که آموزش خلاقیت تأثیر مثبت بر خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان دارد. **نتیجه گیری:** آموزش خلاقیت به دانش آموزان منجر به ارتقای معنادار ابعاد سیالی، ابتکار و بسط در این گروه شده است. اما در بعد انعطاف پذیری، رشد معناداری حاصل نشده است.

**کلیدواژه ها:** آموزش خلاقیت، خلاقیت، عزت نفس.

### مقدمه:

خلاق کردن تفکر، تقویت قدرت نقد و درک دقیق و واقع بینانه، از موضوعات مهمی است که انسان ها برای کشف حقیقت و پیروی از آن باید بیاموزند و به کارگیرند (شریعتمداری، ۱۳۸۲). برخلاف تصور عموم مردم، هوش و خلاقیت رابطه ضعیفی دارند (گیگنارد<sup>۳</sup> و همکارانش، ۲۰۱۵).

تورنس<sup>۴</sup> (۱۹۶۹) آموزش و پرورش سنتی را از موانع پیشرفت خلاقیت دانسته و معتقد است روش های مورد استفاده در این نظام، توانایی خلاقیت کودکان و نوجوانان را نابود می سازد، سایر پژوهشگران نیز در این زمینه اتفاق نظر دارند.

خلاقیت می تواند شکل های زیادی مثل نظریه، داستان، سمفونی، شعر و یا هر مورد دیگری داشته باشد و در زمره مهم ترین و فراگیرترین فعالیت های انسان به شمار آید (آماویل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹)، که دارای سطوح اجتماعی و فردی می باشد (سیکزنتمیهایلی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). گروهی از محققان بر نقش عوامل اجتماعی تأکید نموده و عوامل زمینه ای را در بروز آن مؤثر می دانستند (سیکزنتمیهایلی، ۲۰۰۹). در سطحی شخصی تر، خلاقیت اغلب به عنوان نشانی از سلامت ذهنی و عاطفی تلقی

امروزه صاحب نظران، خلاقیت<sup>۳</sup> را دانشی بنیادی برای هرگونه تغییر و نوآوری می دانند. به تعبیر ریهامر<sup>۴</sup> و برولین<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) خلق ایده های نو و تولیدات ابتکاری از ویژگی های شناختی انسان ها است. با چنین نگاهی خلاقیت عاملی مهم در شتاب بخشیدن به نوآوری های علمی و فناورانه بشر تعبیر شده است. مطالعات موجود نیز نشان می دهند که مرکز ثقل حرکات نوین در آینده را خلاقیت و میزان بهره گیری از این فرآورده تشکیل می دهد. براین اساس، یکی از چالش های جدی و قابل پیش بینی بشر در آینده مسئله میزان بهره گیری از ذهن ها و شخصیت های خلاق در حوزه های مختلف علمی، پژوهشی، فناورانه و بهداشتی است (جفری<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ ریهامر و برولین، ۱۹۹۹؛ لچ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱؛ قاسمزاده، ۱۳۷۹).

خلاقیت موهبتی الهی و همگانی است که ظهور آن مستلزم پرورش است. توجه به گسترش و توسعه این توانایی با توجه به سرعت شگرف علم، امری ضروری و حیاتی است؛ اما بسیاری از مواقع، وجود موانع مختلفی مسیر رشد این توانایی با ارزش را مسدود می کند. بررسی جنبه های مختلف فکر، شیوه های فعال و

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان اسلامشهر، تهران، ایران

<sup>۲</sup> گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۱

<sup>۳</sup> Creativity

<sup>۴</sup> Ryhammar

<sup>۵</sup> Borlin

<sup>۶</sup> Jeffrey

<sup>۷</sup> Leach

<sup>۸</sup> Guignard

<sup>۹</sup> Torrance

<sup>۱۰</sup> Amabile

<sup>۱۱</sup> Csikszentmihalyi

عوامل زمینه‌ای مؤثر بر خلاقیت مورد توجه قرار گرفته است (رایان و دسی، ۲۰۱۲). رویکرد خودتعیین‌گری به این مورد اشاره می‌کند که چنانچه شرایط زمینه‌ای ارضاء‌کننده نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان باشد، در آن صورت زمینه برای بیان افکار و عقاید خلاق آماده است (ریو، ۲۰۰۹). لذا، خلاقیت نیازمند بافتی برای پیشرفت و غنی‌سازی تجارب است (کر، ۲۰۰۹)؛ بنابراین نظام آموزش و پرورش در تربیت نیروی انسانی خلاق جایگاه خاصی دارد. بدین سبب اغلب جوامع مدت‌هاست برای شناسایی کودکان و نوجوانان خلاق و استفاده از شیوه‌های آموزشی خلاق، به برنامه‌ریزی‌های جدی پرداخته‌اند (از قبیل برنامه‌های آموزشی NECCCE<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۸، نقل از کرفت و جفری<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸). در نتیجه بدیهی به نظر می‌رسد که موفق‌ترین محیط‌های یادگیری تأکید عمده خود را بر خلاقیت در تدریس و ارتقا آن گذاشته‌اند (کرفت، ۲۰۰۸).

به نظر می‌رسد که آراء صاحب‌نظران و یافته‌های پژوهشی بیانگر این مطلب است که خلاقیت، بخش مهمی از آرمان‌های بیان شده در استانداردهای تکنولوژی و سوادآموزی است (وارنر و مایزر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰). دروس خلاقیت باید دانش‌آموزان را تشویق کند که خارج از یک محدوده‌ی (کادر) معین بیندیشند و از ایده‌های بسته (دیواری) فاصله بگیرند اما باید پیش از آن، اعتمادبه‌نفس لازم برای پذیرش ندای خلاقیت به دانش‌آموزان داده شود و معلمان نیز باید این اعتمادبه‌نفس را داشته باشند که می‌توانند خارج از فضای کلاس، در گستره‌ی خیال اوج گیرند (لانگ شاول<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹).

یکی از مباحث مهم در امر بهداشت روانی که ارتباط مهمی با خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با افراد خلاق دارد، عزت‌نفس یا همان خودبزرگواری می‌باشد که یکی از خصوصیات مهم و اساسی شخصیت هر فردی را تشکیل می‌دهد و به‌طور حتم روی سایر جنبه‌های شخصی انسان اثر می‌گذارد و کمبود یا فقدان آن باعث عدم رشد سایر جنبه‌های شخصیت یا ناموزونی آن‌ها خواهد شد و حتی ممکن است پایه‌گذار بیماری‌های روانی گوناگون مانند افسردگی، کمروبی، پرخاشگری و ترس شود (بیابانگرد، ۱۳۷۳).

بر همین اساس، عزت‌نفس از دسته‌ی مفاهیمی است که در چند دهه‌ی اخیر مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است، اما قدمت تاریخی این موضوع در مباحثی که علماء و فلاسفه تعلیم و تربیت در گذشته داشته‌اند نیز به چشم

می‌شود (آماویل، ۲۰۰۹). همچنین، انواع در مان‌های هنری و موسیقایی پدید آمده است که از رهگذر ابراز خلاقیت درونی، موجب بهبود سازگاری روانی و رشد شده‌اند (سیمونتون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

از آن‌جاکه هدف اصلی هر نظام آموزشی، ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار فراگیران است، بنابراین نظام‌های آموزشی باید به جای انتقال معلومات و محفوظات به شاگردان، به پرورش خلاقیت در فراگیران بپردازند و آن‌ها را برای زندگی آینده، آماده سازند. امروزه اتفاق نظر بر این است که خلاقیت، قابل‌آموزش و تمرین است، یعنی افراد می‌توانند با تمرین مهارت‌هایی، خلاقیت خویش را افزایش دهند. بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که خلاقیت، نتیجه‌ی یادگیری‌های فرد در خانه است (ایلینگورث<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ ترجمه نوابی نژاد، ۱۳۸۲). همچنین، کافمن و اشترنبرگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) برای پرورش افراد خلاق و بروز ایده‌های تازه بر نقش حمایت‌کننده فضاهای آموزشی و محیط اجتماعی تأکید دارند. با توجه به مطالب مطرح شده، خلاقیت نوعی توانایی است که تحت تأثیر عوامل مختلف فردی و اجتماعی است و در این میان ویژگی‌های فردی نیز تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی مانند مدرسه، کلاس درس و جو حاکم بر آن است؛ پس می‌توان گفت عوامل اجتماعی در خلاقیت نقش کلیدی دارند.

امروزه در جریان آموزش، به جای رویکرد آموزش مبتنی بر حافظه، رویکرد مسئله‌مداری و مشکل‌گشایی مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد اخیر، در صدد تربیت انسانی با ظرفیت‌های لازم، برای برخورد با جهان مبهم و دشوار فردا است. این جهان پیچیده‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم به سرعت در حال تغییر است و در این زمان، نوآوری، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و درنهایت موفقیت را برای ما فراهم می‌سازد. در حل مسائل به شیوه‌ی نوآورانه، انسان تمام توانایی مغزی خود را به کار می‌گیرد (لامزدین و لامزدین<sup>۴</sup>، ۱۳۸۶).

"دانش‌آموزان خلاق، خصوصیات متفاوتی از سایر همکلاسی‌های خود دارند که باید مدنظر معلمان باشد. خصوصیات چون پیشرفت ناهمزمان نسبت به سایرین، علایق متفاوت، حساسیت هیجانی و کمالات اخلاقی" (دورین و کوین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی آموزش‌دهی خلاقیت، به‌طور عمده به این نتیجه رسیده است که خلاقیت را می‌توان آموزش و هم پرورش داد (آماویل، ۲۰۰۶)؛ به‌نقل از قاسم‌زاده، ۱۳۸۶). از این میان توجه به شرایط و ساختار کلاس درس و روابط معلم و شاگرد به‌عنوان

8. National Advisory Committee on Creative and Cultural Education

9. Craft & Jeffrey

10. Warner & Myers

11. Longshaw

1. Simonton

2. Kaufman & Sternberg

3. Lamezdin & Lamezdin

4. Dorin & Kevin

5. Ryan & Deci

6. Reeve

7. Kerr

درباره خود و توانایی‌هایشان با نوعی نگرش منفی مواجهه‌اند، از دستیابی به مدارج عالی و همچنین زایش اندیشه‌های تازه، بازمی‌مانند. با این وجود، موفقیت و شکست در عرصه تحصیل از عمق تصورات فردی ریشه می‌گیرد (شیهان<sup>۶</sup>، به نقل از گنجی، ۱۳۸۳).

از آن جا که مطالعه عزت‌نفس در مدارس یک حوزه نسبتاً جدیدی است، اطلاعات محدودی درباره عزت‌نفس دانش‌آموزان سراسر کشورمان وجود دارد. این مطالعه درباره وضعیت کنونی عزت‌نفس در دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ انتخاب‌شده بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش حاضر، ممکن است اطلاعات موردنیاز معلمان و مدیران مدارس برای بهبود تمرین‌های کنونی را فراهم بیاورد یا برنامه‌های جدیدی را در مدارس مرتبط با ارزش‌یابی و ایجاد خلاقیت و عزت‌نفس در دانش‌آموزان به وجود آورند. سرانجام، این مطالعه دانش پایه‌ای معلمان و مدیرانی را که تلاش می‌کنند تا موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود بخشند، افزایش خواهد داد.

### روش پژوهش:

جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر هستند که از میان آن‌ها، دانش‌آموزان پایه‌های دوم و چهارم دو مدرسه با روش مرحله‌ای از میان مدارس مختلف شهرستان انتخاب شدند.

در یک مدرسه دانش‌آموزان پایه دوم و در مدرسه دیگر دانش‌آموزان پایه چهارم تحت آموزش قرار گرفتند. در هر پایه، یک کلاس به‌عنوان گروه آزمایش و کلاس دیگر به‌عنوان گروه گواه انتخاب شدند.

تحقیق حاضر با استفاده از اجرای آزمایشی دوره آموزش خلاقیت، در میان دانش‌آموزان گروه نمونه صورت گرفته‌است. به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری مرحله‌ای و عدم امکان تخصیص تصادفی افراد در گروه‌های آزمایش و کنترل که اساس تحقیقات آزمایشی را تشکیل می‌دهد، روش تحقیق در این پژوهش از نوع «شبه آزمایشی» می‌باشد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۳).

### ابزار پژوهش:

برای اندازه‌گیری عزت‌نفس از پرسشنامه عزت‌نفس ده سؤالی ساخته روزنبرگ<sup>۷</sup> (۱۹۶۵) استفاده شده است. هرمزی نژاد (۱۳۸۰) روایی این پرسشنامه را برای دانشجویان دختر ۷۴٪ و برای دانشجویان پسر ۷۹٪ گزارش کرده است. ضریب پایایی آن با

می‌خورد. عزت‌نفس<sup>۱</sup> عبارت است از ارزشی که اطلاعات درون خودپنداره، برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی‌های که در او هست، ناشی می‌شود (بیابانگرد، ۱۳۸۴). در طول صد سال گذشته نیز بسیاری از روان‌شناسان این نظر را پذیرفته‌اند که انسان به عزت‌نفس نیاز دارد (طارن هورنی، ۱۹۳۷) روشی را که افراد تلاش می‌کنند به واسطه آن یک تصور مطلوب از خود به دست آورند و از آن محافظت و دفاع نمایند، را مورد بحث قرار داده است. فرنچ<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) از عزت‌نفس به‌عنوان یک سپر فرهنگی در مقابل اضطراب نام می‌برد. همچنین، به نظر می‌رسد عزت‌نفس علاوه بر اینکه جزئی از سلامت روان است با عملکرد در فضای آموزشی، تفکر خلاق، تفکر نقادانه ارتباط دارد. محققین بسیاری به وجود رابطه‌ی میان عزت‌نفس و تولید ایده‌های تازه در مدرسه پی‌برده‌اند (پوپ<sup>۳</sup>، ترجمه‌ی تجلی، ۱۳۸۵).

کوپرا سمیت<sup>۴</sup> (۱۹۶۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که یادگیرندگان با عزت‌نفس بالا افرادی هستند که احساس اعتمادبه‌نفس، استعداد، خلاقیت و ابراز وجود می‌کنند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی‌گیرند. افزایش عملکردهای محیط آموزشی شگاهی، افزایش تلاش فرد در کسب موفقیت، تمایل به داشتن سلامتی بهتر، نبوغ و خلق ایده‌ها، لذت بردن از روابط با دیگران، پیش‌بینی نسبت به موفقیت‌های بعدی، از نشانه‌های بارز سطوح عزت‌نفس بالا در افراد است. لذا، پژوهش‌های انجام‌شده در سراسر جهان، عزت‌نفس را یکی از عوامل مهم و اساسی در شکوفایی انسان‌ها می‌دانند و از آن جایی که سطح عزت‌نفس در سلامت روحی و روانی و تفکر خلاق نقش بسزایی دارد، روان‌شناسان در رشته‌های مختلف بر اهمیت عزت‌نفس بسیار تأکید دارند (ولف<sup>۵</sup>، به نقل از قراچه‌داغی، ۱۳۶۹). داشتن عزت‌نفس سالم یک نیاز اساسی انسان است و چیزی است که ما پیوسته برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم، با این حال، برخی دانش‌آموزان هرگز به خودآگاه‌های که بتوانند با آن در محیط آموزشی احساس آرامش و راحتی کنند، نمی‌رسند و در عرصه تحصیل و حتی گستره زندگی‌شان، بر اثر تردیدهایی که نسبت به خود و توانایی‌هایشان دارند، دستخوش ناراحتی و عذاب می‌شوند. «عزت‌نفس ضعیف موجب می‌شود که یادگیرنده خود واقعی را با شرمندگی پنهان کند و جلوه‌های تدافعی از خود بروز دهد و مانع از شکوفایی توانایی‌هایش شود».

در نظریات حوزه خلاقیت، توجه زیادی روی خود دانش‌آموزان و اینکه ادراک یادگیرنده درباره خود می‌تواند روی تولید ایده‌ها و ابتکارات آن‌ها مؤثر باشد، شده است. آن دسته از دانش‌آموزان که

<sup>۵</sup>. Wolf

<sup>۶</sup>. Seehan

<sup>۷</sup>. Rosenberg

<sup>۱</sup>-Self-Esteem

<sup>۲</sup>. French

<sup>۳</sup>-Pope

<sup>۴</sup>. Smith

کاردستی، اجرای فعالیت‌های نمایشی، ایده پردازی گروهی و ... می‌باشد. در این جلسات سعی شده است تا تخیل دانش‌آموزان تقویت شود، اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان به‌منظور ایده‌پردازی و بیان ایده‌ها تقویت شود، تکنیک‌های خلاقیت اعم از بارش فکری، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، وارونه‌سازی، ترکیب، ارتباط اجباری، تداعی و ... نیز، در قالب تمرین‌های مختلف آموزش داده شده است. درنهایت، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل کوواریانس موردبررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### یافته‌های پژوهش:

در ابتدا به‌منظور بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس به بررسی همگنی شیب‌های رگرسیون پرداخته شده است. مقدار  $F$  به‌دست‌آمده در بررسی اثر تعاملی پیش‌آزمون و گروه بر خلاقیت و عزت‌نفس، به ترتیب برابر  $1/57$  و  $2/01$  است که هیچ‌یک در سطح  $P \leq 0/05$  معنادار نمی‌باشند؛ بنابراین، می‌توان گفت که اثر تعاملی گروه (آزمایش و گواه) و پیش‌آزمون بر متغیرهای وابسته (خلاقیت و عزت‌نفس) معنادار نیست و این امر منجر به موازی بودن بردارهای مربوط به شیب رگرسیون متغیر وابسته در دو متغیر مستقل (گروه) و متغیر تصادفی کمکی (پیش‌آزمون) شده است و بدین ترتیب استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مجاز می‌باشد.

استفاده از روش آلفای کرونباخ  $0/88$  و با استفاده از روش تصنیف  $0/87$  گزارش شده است.

به‌منظور تکمیل پرسشنامه از نظرات دانش‌آموزان، معلمان و والدین استفاده شده است و میانگین نظرات سه نفر، به‌عنوان نمره عزت‌نفس دانش‌آموز در نظر گرفته شده است.

برای اندازه‌گیری خلاقیت از آزمون تصویری خلاقیت تورنس استفاده شده است. این آزمون شامل سه تمرین تصویری می‌باشد که در قالب ویژگی‌های سیالی، انعطاف، ابتکار و بسط به اندازه‌گیری قدرت خلاقیت کودکان می‌پردازد. در این تمرین‌ها، اشکالی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا آن‌ها به تکمیل تصاویر بپردازند. هر دانش‌آموز می‌تواند ظرف مدت ده دقیقه برای هر تمرین، به تکمیل تصاویر بر اساس تمایل و خلاقیت خود بپردازد. درنهایت، بر اساس معیارهای نمره‌گذاری که توسط تورنس پیشنهاد شده، به میزان خلاقیت تصاویر مختلف نمره داده می‌شود.

این آزمون توسط احمدی طهور و همکاران در سال ۱۳۸۹ در ایران هنجاریابی شده است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ جهت برآورد همسانی درونی برای زیرمقیاس‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار، بسط و نمره کل، به ترتیب  $0/75$ ،  $0/81$ ،  $0/76$ ،  $0/83$  و  $0/78$  به‌دست‌آمد. ثبات زمانی مقیاس‌ها نیز با استفاده از ضریب پایایی آزمون - باز آزمون و به فاصله ۴ هفته بررسی شد و دامنه ضرایب از  $0/54$  تا  $0/70$  به‌دست‌آمد.

آموزش خلاقیت در قالب ۱۲ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای شامل انجام فعالیت‌هایی مثل داستان‌نویسی، انواع نقاشی و تصویرسازی، ساخت

### جدول ۱: تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزش خلاقیت بر رشد خلاقیت

مشخصه آماری	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
منبع تغییرات					
گروه	۱۶۶/۶۵	۱	۱۶۶/۶۵	۵/۳۱	۰/۰۰۱

گروه در متغیر خلاقیت معنادار می‌باشد؛ بنابراین، آموزش خلاقیت به دانش‌آموزان توانسته منجر به ارتقای معنادار خلاقیت در این گروه شود.

بررسی داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص تأثیر آموزش خلاقیت بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که مقدار  $F$  گزارش‌شده در سطح  $P \leq 0/01$  معنادار بوده و تفاوت میان دو

### جدول ۲: تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزش خلاقیت بر رشد ابعاد خلاقیت

مشخصه آماری	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
منبع تغییرات					
سیالی	۱۰۱/۰۵	۱	۱۰۱/۰۵	۹/۸۰	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری	۴۱/۲۱	۱	۴۱/۲۱	۲/۱۶	۰/۱۷
ابتکار	۷۵/۶۹	۱	۷۵/۶۹	۶/۳۶	۰/۰۲
بسط	۵۹/۸۹	۱	۵۹/۸۹	۸/۵۰	۰/۰۰۴

منجر به ارتقای معنادار ابعاد سیالی، ابتکار و بسط در این گروه شده است. اما در بعد انعطاف‌پذیری، رشد معناداری حاصل نشده است.

مقدار  $F$  گزارش شده در ابعاد سیالی، ابتکار و بسط در سطح  $P \leq 0/01$  معنادار بوده و تفاوت میان دو گروه در این ابعاد معنادار می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت، آموزش خلاقیت به دانش‌آموزان

### جدول ۳: تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزشی خلاقیت بر رشد عزت‌نفس

مجموع مجزورات	مشخصه آماری منبع تغییرات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
۵۰/۰۹	گروه	۱	۵۰/۰۹	۳/۷۹	۰/۰۵

داشته، کنترل و به‌این‌ترتیب نقش برخی عوامل تهدیدکننده روایی درونی تحقیق از بین رفته است. لذا، نتایج این پژوهش هم مانند پژوهش‌های قبل، تأثیر آموزش خلاقیت بر افزایش خلاقیت و عزت‌نفس را تأیید کرد.

طبق نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر، آموزش خلاقیت می‌تواند موجب افزایش خلاقیت دانش‌آموزان شود. براساس نتایج این مطالعه در این خصوص می‌توانیم با آموزش، مؤلفه‌های بسط، سیالی و اصالت خلاقیت را پرورش دهیم. مطلوب است، این آموزش از سال‌های اول مدرسه آغاز شود. در این پژوهش بالاترین مقدار واریانس تبیین شده، به‌ترتیب مربوط به مؤلفه‌های «بسط»، «سیالی»، «ابتکار» است. هم‌چنین تفاوت نمره دو گروه، کنترل و آزمایش در این مؤلفه معنادار است و این امر به معنای اثربخشی آموزش خلاقیت به یادگیرنده است. درحالی‌که از نظر «انعطاف‌پذیری» تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نمی‌شود این مسئله نشانگر آن است که آموزش خلاقیت به دانش‌آموزان، تأثیری بر مؤلفه انعطاف‌پذیری نداشته است. در تبیین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به دانش‌آموزان یاد داد که با نگاهی تازه و بدیع به دنیای پیرامون خود بنگرند و از اندیشه‌های یک‌طرفه و کلیشه‌ای بپرهیزند و در حل مسائل، خود را به یک راه‌حل محدود نکنند بلکه راه‌های متفاوتی را آزمایش و دقت خود را نسبت به جزئیات، بیشتر کنند. هم‌چنین می‌توان به دانش‌آموزان آموخت که چگونه از اشیاء مستعمل و دور ریختنی اطراف خود به‌طور مفید و سازنده استفاده و در جهت ساخت اشیاء جدید اقدام نمایند. طبق نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به مدیران عرصه‌های آموزشی روش‌هایی را آموخت که در برنامه‌ریزی تربیتی خود در جهت تقویت نیروهای ذهنی دانش‌آموزان تلاش کنند و علاوه بر تفکر همگرا به پرورش تفکر واگرا (خلاقیت) بپردازند، فضا و امکانات فعالانه و پویاتری را در محیط آموزشی و مدارس فراهم آورند و از ایجاد شرایط منفعلانه بپرهیز کنند. زیرا اگر دانش‌آموزان روش

بررسی داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص تأثیر آموزش خلاقیت بر رشد عزت‌نفس دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که مقدار  $F$  گزارش شده در سطح  $P \leq 0/01$  معنادار بوده و تفاوت میان دو گروه در متغیر عزت‌نفس معنادار می‌باشد؛ بنابراین، آموزش خلاقیت به دانش‌آموزان توانسته منجر به ارتقای معنادار عزت‌نفس در این گروه شود.

### بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج برآمده از یافته‌های این پژوهش با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های پارودو<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، اسمیت (۱۹۹۸)، براتیان و بجانی (۱۳۹۲) و زهرا<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۱۳) مطابقت دارد. نتایج بیانگر این است که آموزش خلاقیت بر سازه‌های وابسته پژوهش (خلاقیت و عزت‌نفس) مؤثر است. کسانی که به نوعی با یادگیرندگان در تماس هستند و در امر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان دخیل هستند، از برآیند تحقیقاتی از این دست، می‌توانند در رشد خلاقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند. در زمینه آموزش خلاقیت، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است و از این جهت که کارهای صورت گرفته، آموزشی و در راستای خلاقیت بوده، لذا با این پژوهش همخوانی دارند. از جمله می‌توان با تحقیقات رنزولی<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) و حسینی (۱۳۸۶) و جهانی (۱۳۸۵) همخوان دانست. زیرا در همه‌ی تحقیقات از روش‌های بازی، بارش مغزی، ارتباط اجباری، تداعی تصویر، پرورش قدرت تخیل، برای آموزش خلاقیت بر روی گروه‌های سنی متفاوت از جمله گروه کودکان پیش‌دبستانی و دانش‌آموزان مقاطع مختلف استفاده شده است. در این پژوهش از روش‌های به‌کاربرده شده در پژوهش‌های ذکر شده برای آموزش استفاده شده، با این تفاوت که در پژوهش‌های مذکور آموزش‌ها یا بر روی مربیان و یا معلمان انجام گرفته و متعاقباً انتقال آن به دانش‌آموز، اما در این پژوهش مستقیم به دانش‌آموزان آموزش داده شد و نقش واسطه‌ای معلم یا والد که در پژوهش‌های پیشین وجود

3. Renzulli

1. Pardo

2. Zahraa

ارائه بهترین عملکرد فارغ از جنبه‌های رقابتی را افزایش می‌دهد. همین امر زمینه مناسبی برای رشد خلاقیت ایجاد می‌نماید. دسی و رایان<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) بر اثرگذاری ساختار کلاس بر خلاقیت دانش‌آموزان تاکید کرده و اتخاذ رویکرهای تبحری در ساختار کلاس را بر رشد خلاقیت موثر می‌دانند.

ضمن این‌که چنانچه شرایط محیطی ارضاءکننده نیازهای روان-شناختی دانش‌آموزان باشد، در آن صورت زمینه برای بیان افکار و عقاید خلاق آماده است (ریو، ۲۰۰۹).

یکی از اصول مهم در آموزش مهارت‌های خلاقیت به دانش‌آموزان، تشویق خودمختاری آن‌هاست. حمایت از خودمختاری دانش‌آموز در فضای آموزشی، انگیزش درونی او را برای ارائه بهتر تکالیف و تمرین‌ها افزایش می‌دهد (کاپلان و آسور، ۲۰۱۲) و همین انگیزه درونی عامل مهمی در ارتقای خلاقیت می‌باشد.

حمایت از خودمختاری و استقلال دانش‌آموز، از طریق ارائه چالش‌ها و انتخاب‌ها، به حساب آوردن علائق و ترجیحات دانش‌آموزان، تحریک کنجکاوی و شناخت علائق دانش‌آموزان باعث افزایش انگیزش درونی و پرورش منابع ایجادکننده خلاقیت می‌گردد (ریو، ۲۰۰۹). سخن پایانی، این‌که پژوهش‌علیرغم داشتن محدودیت‌هایی همچون کوچک بودن نمونه و اجرا در محدوده‌ی یک رشته علمی توانست نشان دهد که ذهن و شخصیت با برنامه‌ریزی مناسب قابل ارتقاء است. بدون شک در این میان بر نامه‌های آموزش خلاقیت می‌تواند در ارتقای مؤلفه‌های آموزشی مؤثر عمل کرده و امکان افزایش ظرفیت ذهن و شخصیت را می‌افزایند.

### منابع

آماپایل، ترزا. (۱۳۸۶). شکوفایی خلاقیت. ترجمه‌ی حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی. تهران: دنیای نو.

احمدی طهور سلطانی، محسن؛ احمدی، عبدالجواد؛ دلاور، علی؛ رضانی، ولی. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون تفکر خلاق تورنس فرم (A) در دانش‌آموزان دبیرستانی تهران، فصل‌نامه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران؛ شماره ۴۰.

اسعدی، س؛ امیری، ش. (۱۳۸۶). روند تحولی خلاقیت در کودکان. تازه‌های علوم شناختی؛ سال ۹(۴): ۲۶-۳۲.

ایلینگورث، ر. (۱۳۸۲). کودک و مدرسه. ترجمه شکوه نوایی نژاد، تهران: انتشارات رشد.

درست اندیشیدن را در محیط‌های آموزشی اولیه بیاموزند، این اسلوب برای آن‌ها درونی خواهد شد. براین اساس شرایط مناسبی برای یادگیرندگان فراهم خواهد شد که می‌تواند برانگیزاننده خلاقیت در آن‌ها باشد.

بخش دیگری از نتایج نشان می‌دهد، آموزش خلاقیت می‌تواند موجب افزایش عزت‌نفس دانش‌آموزان شود. این نتایج با یافته‌های سموعی همسو است. مطالعات نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که خلاقیت مطلوبی ندارند، عموماً دارای کمبود عزت‌نفس و بلندهمتی‌اند (گلدبرگ، ۱۹۶۰)، خود را قبول ندارند (شاو و آویس، ۱۹۶۳) و احساس فقدان شایستگی تحصیلی می‌کنند (مور و اشمیتز، ۱۹۶۴). مطالعات دیگر نیز بیانگر وجود همبستگی مثبت بین آموزش خلاقیت و سطوح بالای عزت‌نفس است (حسن زاده و ایمانی، ۱۳۸۹). تحقیقات حاکی از آن است، که یادگیرندگان با عزت‌نفس بالا خیلی با اعتمادتر از دانش‌آموزانی هستند که دارای عزت‌نفس پایین می‌باشند و تلاش‌هایشان آن‌ها را به سوی ایده‌های ابتکاری و درنهایت موفقیت سوق می‌دهد (گاردنر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). همچنین، سطوح بالایی از خلاقیت و تفکرات خلاق عاملی برای دستیابی به احساس شایستگی و لیاقت است (دسی و رایان، ۲۰۱۲). انتظارات بالا موجب شکل‌گیری اهداف مشکل و اهداف مشکل به برانگیختن تمرکز و تلاش‌های مداوم و متعاقب آن، خلاقیت می‌شود. در این راستا، دانش‌آموزان با عزت‌نفس بالا معمولاً بیش از دانش‌آموزان دارای عزت‌نفس پایین عهده‌دار سوق یافتن به سمت این فرایند و تحقق خلاقیت می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۶).

خلاقیت دارای سطوح اجتماعی و فردی می‌باشد و عوامل اجتماعی در کلاس درس بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان موثر است (سیکزنتمی‌هالی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). در آموزش مهارت‌های خلاقیت بر قوانینی مثل حق همگانی برای ایده‌سازی، با ارزش بودن همه ایده‌ها، ممانعت از قضاوت منطقی در زمینه ایده‌یابی، احترام به ایده‌های یکدیگر، ارزشمند بودن ایده‌های عجیب و حتی خنده‌دار و ... می‌تواند علاوه بر کمک به رشد فعالیت‌های شناختی برای ایده‌یابی، شرایط اجتماعی مناسبی را برای ابراز وجود و خلاقیت فراهم می‌سازد.

در جریان آموزش مهارت‌های خلاقیت، ساختار کلاس به نحوی طراحی شده است که فعالیت‌های دانش‌آموزان براساس انگیزه و علاقه آن‌ها و با هدف کسب مهارت و تبحر در انجام امور صورت می‌گیرد. در این دوره بر محوریت علاقه و استعداد دانش‌آموزان در ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌ها توجه شده و همین امر انگیزه آن‌ها برای

3. Deci & Ryan

4. -Reeve

1. Gardner

2. -Csikszentmihalyi

5-Eysenck

- Craft, A. (2008). Creativity in the school. Retrieved September 20, available in : <http://www.beyondcurrenthorizons.org.uk>.
- Craft, A. & Jeffrey, B. (2008). Creativity and performativity in teaching and learning: tensions, dilemmas, constraints, accommodations and synthesis. *British Educational Research Journal*, 34 (5): 577-584.
- Csikszentmihalyi, M. (2009). Implications of a systems perspective for the study of creativity. In R.J. Sternberg (Eds), *Handbook of creativity*. New York: Cambridge University Press.
- Deci, E.L., & Ryan, R.M. (2012). self-determination theory. In P.A.M. van Lange, A.W. Kruglanski, & E.T. Higgins (Eds), *Handbook of theories of social psychology: Vol. 1*. (pp. 416-437). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Dorin, Alan and B. Korb; Kevin (2009). Improbable Creativity. *Dagstuhl Seminar Proceedings 09291 Computational Creativity: An Interdisciplinary Approach* <http://drops.dagstuhl.de/opus/volltexte/2009/214>.
- Gardner, H; (1994). *Creating minds*. New York: Basic Books. (Back)
- Guignard, J. Kermarrec, S. Tordjman, S. (2015). Relationships between intelligence and creativity gifted and non-gifted children. *Learning and Individual Differences*, In Press, Corrected Proof.
- Jeffrey, Bob and Craft, Anna (2004). Teaching creatively and eaching for creativity: distinctions and relationships. *Educational Studies*, 30(1): 77-87
- Jeffrey, B. & Woods, P. (2003). *The creative school: A framework for success, quality and effectiveness*. London: Routledge/Falmer.
- Kaplan, H., & Assor, A. (2012). Enhancing autonomy-supportive I-Thou dialogue in schools: conceptualization and socio-emotional effects of an intervention program. *Social Psychology of Education*, Doi: 10.1007/s11218-012-9178-2.
- Kerr, Barbara (2009). *Encyclopedia of Giftedness Creativity and Talent*. University of Kansas. vol 2.
- Kaufman, J.C, & Sternberg, R.J. (2010). *The Cambridge handbook of creativity* (Eds), New York: Cambridge University Press.
- Leach, j. (2001). *A hundred possibilities: Creativity, community and new technologies*. London.
- Mihalyi, C. (1996). *creativity: flow and the psychology of discovering and invention* Harpercollins publisher.
- National Advisory Committee on Creative and Cultural Education (NACCCE) (1999). *All Our*
- براتیان، م؛ بجانی، ح. (۱۳۹۲). بررسی میزان تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر افزایش خلاقیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی. فصلنامه علمی- پژوهشی در علوم انتظامی؛ (۲) ۱: ۹۳-۱۱۶.
- بیا بانگرد، اسماء میل. (۱۳۸۴). روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- پوپ، آلیس؛ مک هال، سوزان؛ کریهده، ادوارد. (۱۳۵۰). افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان ترجمه پریسا تجلی. تهران: انتشارات رشد.
- جهانی، ج. (۱۳۸۵). بررسی تحلیلی و مقایسه ای تأثیر رویکردهای مختلف آموزش خلاقیت بر پرورش، روحیه پژوهش گری کودکان و نوجوانان. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*؛ ۲۵ (۴): ۴۷-۶۱.
- حسن زاده، ر؛ ایمانی فر، پ. (۱۳۸۹). رابطه خلاقیت و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی نوجوانان، *مجله جامعه شناسی مطالعات جوانان*؛ (۳) ۱.
- حسینی، ا. (۱۳۸۸). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. مشهد: نشر استان قدس رضوی.
- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپندار دانش آموزان. *مجله علمی پژوهشی نو آوری های آموزشی*؛ ۶ (۲۳): ۱۶۸-۱۴۸.
- حسینی، ا. (۱۳۸۵). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس. فصلنامه نوآوری های آموزشی؛ ۵ (۱۵): ۲۰۰-۱۷۸.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۲). نقد و خلاقیت در تفکر. چاپ دوم. تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- شهبان، ایلین. (۱۳۸۳). عزت نفس ترجمه مهدی گنجی. تهران: موسسه نشر ویرایش.
- قاسم زاده، حسن. (۱۳۷۹). آینده خلاقیت و خلاقیت آینده. انتشارات ناهید: تهران؛ چاپ اول.
- لامزدین، ادوارد؛ لامزدین، مونیکا. (۱۳۸۶). حل خلاق مسئله. ترجمه بهروز ارباب شیرانی و بهروز نصر آزادانی. تهران: ارکان دانش.
- ولف، سولا. (۱۳۶۹). کودک و فشارهای روانی. ترجمه مهدی قراچه داغی. انتشارات علامه طباطبایی.
- هرمزی نژاد، معصومه. (۱۳۸۰). رابطه ساده و چندگانه عزت نفس، اضطراب اجتماعی و کمال گرایی با ابراز وجود در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ دانشگاه اهواز.
- Amabile, T.M. (2009). *How to kill creativity*, New York: Harvard Business Review.

- development. Journal of educational research.vol 3.
- Simonton, D. K. (2006). Creative genius, knowledge, and reason: The lives and works of eminent creators. In J. C. Kaufman & J. Baer (Eds), *Creativity and reason in cognitive development* (pp. 43-59). New York: Cambridge University Press.
- Sternberg, R. and Lubart. (1993). *An investment approach to creativity*. Yale university
- Sternberg, R.J. (1988). *A three facet model of creativity. The nature of creativity*, Cambridge University Press.
- Torrance, E.P. (1969). *Creativity. What Research Says To The Teacher*. Series no 28. national education association. Washington DC.
- Warner, Scott and L. Myers, Kerri (2010). *The Creative Classroom: The Role of Space and Place Toward Facilitating Creativity*. The Technology Teacher December.
- Zahraa, H. Yusoff, F. Hasimb, M.S. (2013). Effectiveness of Training Creativity on Preschool Students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 102: 643 - 647.
- Futures: Creativity, Culture and Education. London, Department for Education and Employment.
- Osborn, A. F. (1966). *Applied Imagination* (3rd ed). New York: Scribner.
- Pardo, B. (2002). *Effects of a Teacher Training workshop on creativity, cognitive school achievement, high ability studies* V13 N 1.
- Reeve, J. (2009). *Why teachers adopt a controlling motivating style toward students and how they can become more autonomy supportive?* *Educational Psychologist*, 44: 159-175.
- Reynolds, C. R. & Kamphaus, R.W. (2003). *Handbook of Psychological and Assessment of Children*. New York: Guilford Press.
- Renzulli, J. (1993). *Through the pursuit of ideal act of learning gifted child Quarterly* Vol. 36: No.4. Fall.
- Rycards, M. (1988). *Problem solving at work*. Un.press.
- Ryhammar, L. and Borlin. (1999). *Creativity Research. Historical considerations and main lines of development*. Journal of educational research.vol 3.
- Ryhammar, L. and Borlin. (1999). *Creativity Research. Historical considerations and main lines of*



## 10

**The effectiveness of creativity on creativity training and self-esteem of elementary school students**

Leila Afzali<sup>1</sup>  
Somayeh Esmaili<sup>2</sup>

**Abstract:**

**Aim:** The aim of this study was to investigate the effect of Creativity training on creativity and self-esteem of female students in primary school in Islamshahr.

**Methods:** For this purpose, 120 patients (60 cases and 60 controls) of elementary students were selected by cluster sampling. In this study, Rosenberg Self-Esteem Scale (1965) and Visual Creative Torrance (1969) is used. The collected data have been analyzed using ANCOVA.

**Results:** The results showed that Creativity training has a positive effect on students' creativity and self-esteem. Training students' creativity to lead to a significant improvement of fluency, originality and elaboration in this group. But in terms of flexibility, there has been a significant growth.

**Key words:** *Creativity training, Creativity and Self-esteem.*

---

<sup>1</sup> PhD student of educational psychology , Islamic Azad University, Young Researchers and Elite Club Branch, Tehran, Iran.l84afzali@yahoo.com

<sup>2</sup>Department of Psychology, Islamshahr Branch, Islamic Azad University (IAU), Islamshahr, Iran